

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا
سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۴، پیاپی ۱۱۴، زمستان ۱۳۹۳

نخستین پزشک اساطیری ایران چه کسی است؟

علی رضا باژدان^۱

محسن ابوالقاسمی^۲

مهشید میر فخرایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵

چکیده

در این مقاله، نام «ثریته» در اوستا و بسامد آن در نوشته‌های دوره‌ی میانه را بررسی و سپس نخستین پزشک را در کتاب‌های تاریخ ایران اسلامی معرفی می‌کنیم که برخی او را فریدون و برخی جمشید می‌دانند. سه شخصیت اسطوره‌ای ایران (ثریته، فریدون و جمشید) به نحوی با پزشکی ارتباط دارند و برای شناختن نخستین پزشک از میان آنان، باید هر سه نام را بررسی کنیم تا تفاوت منابع در ذکر

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

Alireza.bazhdan2010@gmail.com

۲. استاد گروه زبان‌های باستانی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

۳. استاد گروه زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ویژگی‌های این شخصیت را دریابیم. به نظر می‌رسد که فردوسی در چهار بیت ابتدایی توصیف جمشید، صفات ثریته را برای وی معرفی می‌کند. این سه شخصیت را در دوره‌های مختلف بررسی می‌کنیم تا دلیل این تغییر نام یا صفت را دریابیم.

واژگان کلیدی: اوستا، وندیداد، ثریته، جمشید، فریدون، شاهنامه.

۱. مقدمه

در تمامی تمدن‌ها، افراد معروفی هستند که در زمینه‌های مختلف، به عنوان اولین‌ها شناخته می‌شوند. ممکن است این شخصیت‌ها با تغییر مذهب، فرهنگ، سیاست و ...، رنگ ببازند و جای خود را به شخصیت‌های جدید بدهند؛ برای نمونه، گرشاسپ در اوستا یل نامدار و توانایی است؛ ولی در نوشته‌های دوره‌ی میانه، مثل شاهنامه، توانایی و عظمت وی در وجود رستم دیده می‌شود.

در وندیداد، آشکارا نام نخستین پزشک «ثریته» ذکر شده است؛ ولی در نوشته‌های پهلوی دوره‌ی میانه، با اینکه از نام سریت زیاد استفاده می‌شود، هیچ‌یک از شخصیت‌های مختلفی که سریت نامیده می‌شوند (سریت هفتم، سریت ویسریان و سریت ارتشتار)، پزشک نیستند.

در بند اول از فرگرد بیستم وندیداد، گرشاسپ به عنوان پسر ثریته معرفی می‌شود که در برخی متون مثل بندهشن (از نوشته‌های پهلوی) و شاهنامه (ملحقات) نیز آمده است. این نام که به «اترت» یا «اترط» تبدیل شده است، تنها در حد یک نام است و فاقد توانایی‌ها یا صفاتی است که در فرگرد بدو نسبت داده شده‌اند.

در نوشته‌های ایران دوره‌ی اسلامی که شاهان پیشدادی را معرفی و توصیف می‌کنند، بیشتر فریدون به عنوان نخستین پزشک معرفی می‌شود؛ اگرچه برخی نیز جمشید را با این صفت معرفی می‌کنند.

در این میان، به نظر می‌رسد که فردوسی، جمشید را نخستین پزشک می‌داند و صفاتی را که در فرگرد بیستم در وصف ثریته آمده است، برای جمشید بیان می‌کند. باید سه شخصیت ثریته، فریدون و جمشید را به طور جداگانه بررسی کنیم و با نخستین پزشک اساطیری ایران آشنا شویم تا شاید دلیل انتخاب افراد مختلف به عنوان نخستین پزشک را دریابیم.

این پژوهش نشان می‌دهد که در هزاره‌های گذشته‌ی این سرزمین، پزشکی به صورت یک تخصص وجود داشته است و حتی تقسیم‌بندی این تخصص‌ها در اردیبهشت‌یشت اوستا و کتاب دینکرد (دوره‌ی میانه) آمده است.

وجود پزشکان بزرگی چون بوعلی سینا، رازی و ... در دوره‌ی میانه، نشان‌دهنده‌ی گذشته‌ای غنی در این زمینه است که ما را وادار می‌کند با بررسی نام‌های اساطیری که با پزشکی ارتباط دارند، وجود پزشک، پزشکی و نخستین پزشک را نشان دهیم. پرسش اصلی این پژوهش این است که نخستین پزشک در اساطیر ایران چه کسی است. پرسش‌های فرعی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. نوشته‌های اوستایی چه کسی را به عنوان نخستین پزشک معرفی می‌کنند؟

۲. نوشته‌های دوره‌ی میانه عنوان نخستین پزشک را به چه کسی می‌دهند؟

۳. آیا دلیلی برای این تغییر نام‌ها وجود دارد؟

در متون مختلف، از سه شخصیت اسطوره‌ای فریدون، جمشید و ثریته نام برده شده است. در اوستا، ثریته و در نوشته‌های دوره‌ی میانه، جمشید و فریدون به عنوان نخستین پزشک مطرح هستند. به نظر می‌رسد که شاهنامه دلیل این تغییر نام را بیان می‌کند. در این پژوهش، سه شخصیت اسطوره‌ای جمشید، فریدون و ثریته را در نوشته‌های اوستایی، فارسی میانه‌ی پهلوی و فارسی دوره‌ی ایرانی - اسلامی بررسی می‌کنیم.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی پزشکی در ایران باستان، مقاله‌های زیادی نوشته شده است که بیشتر به موضوعات وجود پزشکی، تقسیم‌بندی، دستمزد، نقش دعا و جادو و ... پرداخته‌اند. سیریل

الگود در کتاب *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، به پزشکی در دوران‌های مختلف پرداخته است. این موضوع در کتاب هفتم ایرانیکا (۱۰۲-۱۰۴) نیز بررسی شده است.

۳. مفاهیم

وندیداد: یکی از پنج کتاب زرتشتیان است.

فرگرد: به بخش‌بندی‌های وندیداد فرگرد می‌گویند. وندیداد ۲۲ فرگرد است.

نوشته‌های دوره‌ی باستان: شامل نوشته‌های اوستایی زرتشتیان و خط میخی‌های هخامنشیان می‌شود.

دوره‌ی میانه: از زمان حمله‌ی اسکندر به ایران تا قرن سوم هجری قمری را دربر می‌گیرد.

معرفی نخستین پزشک در متون دوره‌ی باستان و میانه‌ی ایران یکسان نیست و در متون مختلف، سه شخصیت ثریته، فریدون و جمشید معرفی شده‌اند؛ بنابراین، باید هر سه شخصیت را جداگانه بررسی کنیم و با نخستین پزشک اساطیری ایران آشنا شویم تا دلیل انتخاب افراد مختلف به عنوان نخستین پزشک را دریابیم.

۳-۱. ثریته

اگر فشردن هوم را که گیاهی دارویی به‌شمار می‌آید، نشانه‌ای از گیاه پزشکی بدانیم، نخستین کسانی که در بین مردمان آریایی به گیاه‌درمانی پرداخته‌اند، به ترتیب و یونگهان پدر جمشید، آثویه یا آبتین پدر فریدون، ثریته یا اترت پدر گرشاسپ و پوروشسپ پدر زرتشت بوده‌اند.

در بند اول تا سوم از فرگرد بیستم وندیداد آمده است:

۱. پرسید زرتشت اهوره‌مزدا را:

ای اهوره‌مزدا! ای سپندترین مینو! ای دادار جهان استومند (مادی)! ای پاک!

چه کسی بود نخستین از مردمان، مراقبان، ورجاوندان، درخشان‌ها، ثروتمندان، رایومندان، نیرومندان و پیشدادیان

که بیماری را از بدون بیماری (تندرست) دور داشت.

که مرگ را از بدون مرگ (سالم) بازداشت.

که نیزه‌های پران را (از حرکت) بازداشت و آتش تب را از تن مردمان بازداشت.

۲. آنگاه گفت اهوره مزدا:

ثریت ای سپیتمان زرتشت نخستین از مردمان، مراقبان، ورجاوندان، درخشان‌ها،

ثروتمندان، رایومندان، نیرومندان و پیشدادیان که بیماری را از تندرست دور داشت.

که مرگ را از بدون مرگ (سالم) بازداشت.

که نیزه‌های پران را (از حرکت) بازداشت و آتش تب را از تن مردمان بازداشت.

۳. او بود که به جست‌وجوی داروها و شیوه‌های درمان برآمد [...].

نام ثریته تنها در یک مورد دیگر در کتاب‌های اوستایی آمده است و آن یسن نهم

است. در بند دهم آن آمده است: «سومین کسی که مرا (هوم) مهیا ساخت ثریت از خاندان

سام است که از نیکخواه‌ترین‌ها است، درعوض خداوند به او دو پسر داد [...]».

در این بند، ثریته نخستین کسی است که هوم را فشرده و این کار به‌عنوان مهارت

پزشکی او به‌شمار آمد. از آنجا که هوم منشأ زندگی و سلامتی است، نخستین نثارکننده‌ی

آن باید نخستین درمان‌بخش باشد.

در ریگ‌ودا، کشنده‌ی هیولای سه‌سر معمولاً ایندیره است؛ اما گاهی شخصیتی به‌نام

ثریته او را در کشتن هیولا یاری می‌دهد و در بعضی موارد ثریته به فرمان ایندیره خود

کشنده‌ی اژدها است. ثریته گاه ابرمرد و گاه دیو پنداشته می‌شود (دومزیل، ۱۳۸۴: ۱۴-

۱۵).

در ریگ‌ودا، Trita - Āptya را می‌بینیم که روحانی است، هوم را در باران می‌ریزد و

مارها را در طوفان می‌کشد. به‌نظر می‌رسد که Trita در ودا، ایزد درمانگری بوده است

(Max Muller, 1962: 219)؛ ولی در کنار معرفی ایزدان ودایی نشانی از نقش

درمانگری وی دیده نمی‌شود (Jayne, 1962: 160).

ثریته به معنی سوم است. او سومین کسی است که هوم را می‌فشارد و دو پسر پاداش می‌گیرد. ثریته همنام Trita-Āptya هندی است؛ اما Āptya در اوستا، شخص دیگری به نام آثویه است. در دوره‌های نخستین، شکل هم‌خانواده‌ی ثریته، θraetaona، جایگزینش می‌شود (Jayne, 1962: 195). θraetaona پسر آثویه است و نویسندگان فارسی و عربی او را فریدون می‌نامند که با Traitana هندی یکی دانسته شده است. تصویر او به همراه ثریته در فریدون، قهرمان ملی دیده می‌شود (Jayne, 1962: 194). در متون ایرانی از ثریته و θraetaona به عنوان دو شخصیت جداگانه یاد می‌شود و به هر دو درمان‌بخشی نسبت داده می‌شود (دومزیل، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۵).

Āθβya برابر Āptya ودایی است که از آب مشتق شده‌اند. این واژه در شاهنامه به صورت آبتین آمده است و در پهلوی اسپیان است. θraetaona پسر اوست که در نوشته‌های ودایی، به صورت Traitāna قابل تشخیص است. Trita و Traitāna در اصل از یکدیگر جدا بوده‌اند؛ ولی در نوشته‌های ودایی با هم یکی شده‌اند. Trita-θrita از خاندان سام است (Reichelt, 1911: 96).

Trita در سانسکریت، به معنای سوم و از ایزدان ودایی است که همراه ماروت‌ها، وایو و ایندرا با تواشتر و وریتر و اهریمنان دیگر می‌جنگد. او هنگامی که در چاهی می‌افتد، از ایزدان تقاضای کمک می‌کند و نیایشی برای آن‌ها اضافه می‌کند. او به طور معجزه‌آسایی به آماده کردن سومه هدایت می‌شود که ممکن است خود بنوشد و یا به ایزدان دیگر ارائه دهد (Williams, 1899: 461). ثریته، دیو ناپیدا، به شیوه‌های رازآمیز قواعد اخلاقی و آیینی را از بین می‌برد؛ اما ثریته درمان‌بخش است (دومزیل، ۱۳۸۴: ۱۶).

اوستا منشأ هنر درمانگری را ثریته و ایزدان یا قهرمانان دیگری می‌داند که مهارت‌های شگفت داشتند و برای نسل انسان سودمند بودند؛ اما آن‌ها مداوا را برای انسان تنها به شیوه‌ی نظری آوردند. آن‌ها به جز هوم و مهر، تفکر و مکتبی را گسترش ندادند (Jayne, 1962: 187).

نام $\theta rita$ از θri -به معنای سه آمده است و در اوستا هم به معنای سوم است (Macdonell, 1917: 234). از آنجا که تمامی نام‌های باستانی معنا و مفهوم دارند، باید برای عدد سه نیز مفهومی را متصور شویم. در بندهای دو و سه از فرگرد بیستم و نود و یک در بالا آورده‌ایم، سه توانایی ذکر می‌شود:

۱. نیزه‌های پران را (از حرکت) بازداشت؛ ۲. آتش تب را از تن مردمان بازداشت و ۳. وسیله‌ی درمان را از او خواست (در بند بعدی اهوره مزدا از گیاه گوگرد نام می‌برد). به نظر می‌رسد که این سه توانایی معرف سه گروه از پزشکان هستند که در بند ۴۴ از فرگرد هفتم و نود و یک نیز آمده است. این سه گروه عبارت‌اند از: کارد پزشک، افسون پزشک و گیاه پزشک. شاید ثریته این سه تخصص را داشته است.

گروه اول کسانی هستند که با کارد درمان می‌کنند که کارد در مانگر یا کارد پزشک^۱ نامیده می‌شوند. وجود ترکیب نیزه‌ی پران و امشاسپند شهریور که موکل بر فلزات است، گواهی بر کارد پزشکی است.

گروه دوم کسانی هستند که با کلام مقدس (مانتر) درمان می‌کنند.^۲ در روایت پهلوی، قطعه‌ای به نام افسون تب وجود دارد که با گره زدن به ریسمانی و بستن آن به بازو و خواندن باژ اردیبهشت انجام می‌شود (میرفخرایی، ۱۳۹۰: ۳۵۶). در اینجا، برای درمان تب، به جای صحبت از کارد یا گیاه، از نیایش سخن می‌رود که همان مانتر پزشک است.

گروه سوم کسانی هستند که با گیاه درمان می‌کنند و گیاه در مانگر یا گیاه پزشک نامیده می‌شوند.^۳

ثریته گیاه در مانگر نیز بوده است؛ چنانکه در بند چهارم همین فرگرد آمده است که اهوره مزدا گیاهان دارویی را برای او فرستاده است.

1. karetōbaēšaza
2. maθrō.baēšaza
3. urvarō.baēšaza

در قسمت‌های دیگر اوستا و نوشته‌های پهلوی (دینکرد)، در کنار سه گروه ذکر شده، گروه‌های دیگری اضافه می‌شوند که نشان‌دهنده‌ی رشد و تخصصی‌تر شدن پزشکی ایران باستان هستند.

به نظر می‌رسد که استفاده از مانتر (کلام مقدس)، دعا، ورد، جادو و افسون که به گروه روحانیان مربوط می‌شود، یکی از دلایلی است که موجب تفکیک گروه‌های پزشکی شده است؛ گروه‌هایی مثل مانترپزشک، اهلابی‌پزشک، دادپزشک و اشه‌پزشک.

ثریته که شفابخش و فراهم‌کننده‌ی هوم است، سومین انسانی است که هوم را برای جهان مادی فراهم کرد و از آفریدگار خواست به او دارویی دهد که با آن در برابر درد، بیماری، فساد، عفونت و مرگی که اهریمن با جادوی خود پدید می‌آورد، مقاومت کند. آفریدگار در پاسخ به تمنای ثریته، هزاران گیاه شفابخش را که پیرامون گیاه گوکرن در اقیانوس کیهانی می‌رویند، فرورستاد و به همین دلیل، از ثریته به‌عنوان کسی یاد می‌کنند که بیماری، تب و مرگ را از مردمان دور می‌کند.

در آبان‌یشت و فروردین‌یشت، از ثریت و برادرش اشاوردنگه که از پسران سایوژدزی هستند، نام رفته است. نباید او را با ثریت، از خاندان سام، یکی بدانیم.

در توضیحات پهلوی و نندیداد در توصیف ثریت، آمده است: «سريت پسر سام است نه پسر سیرز و می‌توانست هر بیماری را درمان کند. یکی می‌گوید که جم بود؛ سوم بودنش برای این بود که او سومین پیشداد بود» (Anklesaria, 1949: 391).

در وندیداد ساده، ثریته نام فریدون دانسته شده است (Herman, 1850: 64).

با اینکه در نوشته‌های پهلوی، سريت نام پرکاربردی است، هرگز به معنی پزشک به کار نرفته است. در ویزیدگیهای زادسپرم و دینکرد هفتم، سريت ارتشتار کی کاووس است که مأمور کشتن گاوی می‌شود که مرز ایران و توران را نشان می‌دهد: «هفت برادر بود و آن هفتمین سريت - یعنی هفتم - خوانده می‌شد [...]» (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۵۳-۵۴). «[...] با جادویی و پریگری اندیشه‌ی کاووس را بر آن گاو بگردانید و به ارتشتاری که سريت نام بود، فرمود که آن گاو باید اوژدن (کشتن) و آن مرد برای زنش (کشتن) آن گاو بیامد» (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۱۶).

در دینکرد پنجم و هفتم، با سریت ویسریان نیز مواجه می‌شویم: «درباره‌ی ویراستن (ساختن) سریت ویسریان (سریت پسر ویسرپ) آن گردونه‌ی نامی به شگفتی و آمدن آوازه‌ی شگفتی آن گردونه به گشتاسپ و خواستن گشتاسپ آن گردونه را از سریت [...]» (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۵۱؛ آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶: ۳۴).

در نوشته‌های دوران ایران اسلامی، از ثریت به‌عنوان پزشک یاد نمی‌شود؛ ولی در ذکر نسب‌نامه‌ی گرشاسپ، نام وی اترت یا اترط ذکر می‌شود. در این نسب‌نامه، وی تنها به‌عنوان پدر گرشاسپ معرفی می‌شود و هیچ توانایی در مورد وی ذکر نمی‌شود. در بندهای ۲۶ و ۲۷ از فصل ۳۱ بندهشن، آمده است: «گرشاسپ و اوروخش دو برادر بوده‌اند از پسران اترت پسر سام پسر تورک پسر سپانیاسپ پسر دورشاسپ پسر توگک پسر فریدون».

نسب‌نامه‌ی گرشاسپ در ملحقات شاهنامه‌ی فردوسی، چنین آمده است:

یکی پورش آمد ز تخم بزرگ	به‌رسم نیا نام کردش طورگ
یکی پورش آمد به‌خوبی چو جم	نهاد آن دلاور ورا نام شم
ز شم زان سپس اترط آمد پدید	همی فرشاهی ازو می‌دمید
چو بختش به هر کار منشور داد	سپهرش یکی نامور پور داد
بر آن پور آرام بفرزود و کام	گرانمایه را کرد گرشاسپ نام

به‌نظر می‌رسد که از ثریت‌های اوستایی، تنها نامی به دوره‌های بعدی رسیده است؛ به طوری که صفت پزشکی از وی سلب و در وجود شخصیت اساطیری دیگری نمایان شده است.

۲-۳. فریدون

فریدون پسر آبتین (اثفیان) و ملقب به اژدهاکش است. آبتین دومین کسی است که هوم را مطابق آیین می‌فشارد و موهبت داشتن پسری چون فریدون بدو می‌رسد. فریدون در ادبیات ایران با نوعی جادوگری و پزشکی ارتباط دارد (آموزگار، ۱۳۷۴: ۵۳).

مردم در دعا‌های خود از ثریتونه (فریدون) می‌خواهند که آنان را در برابر خارش، تب و ضعف یاری کند و از آنان در برابر دهاک حمایت نماید (هینلز، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

تعویذها با نام *θraetaona* در برابر بیماری‌ها قرار داده می‌شوند و در اوستا می‌بینیم که فروهراو در برابر تب سرد، تب گرم، واورش و ... خوانده می‌شود. از این متن درمی‌یابیم که بیماری از اهریمن به وجود می‌آید و این دلیلی است که کشنده‌ی اهریمن (اژدها) در مقابل آن خوانده می‌شود؛ بنابراین، *θraetaona* و *θrita* حق دوگانه‌ای برای لقب نخستین درمانگر را داشتند؛ یکی به‌عنوان فشارنده‌ی هوم و دیگری به‌عنوان اژدهاکش (Darmesteter, 1960: 219).

۱-۲-۳. فریدون در اوستا

در بندهای شش تا هشت از یسن نهم آمده است: «زرتشت از هوم پرسید دومین کسی که تو را در جهان مادی بیفشرد کیست و چه پاداشی به او بخشیده شد. هوم در پاسخ گفت: دومین کسی که مرا در این جهان مادی بیفشرد آتویه می‌باشد، در پاداش پسری مثل فریدون از خاندان نجیب و توانا با او داده شد؛ کسی که اژی‌دهاک سه‌پوزه و ... را شکست داد».

در بند هفده از فرگرد اول وندیداد آمده است: «(وَرَنَه) [...] در آنجایی که فریدون کشنده‌ی اژی‌دهاک تولد یافت [...]».

در بند ۳۳ از آبان‌یشت آمده است: «ازبرای او (اردویسور اناهید)، فریدون پسر آتویه، از خاندان توانا در مملکت چهار گوشه (وَرَنَه)، صد اسب، هزار گاو، ده هزار گوسفند قربانی کرد».

در بند سیزده از درواسپ‌یشت، بند بالا تکرار می‌شود؛ ولی در ستایش درواسپ است. در بند ۱۳۱ از فروردین‌یشت، آمده است که برای از میان بردن گری، تب، آبگونه‌های چرکین گوناگون و آسیب‌هایی که از مار پدید آمده، فره‌وشی فریدون ستوده می‌شود و به این مناسبت، او مؤسس طب و سازنده‌ی تریاک است.

در بند ۶۱ آبان‌یشت، از فریدون چنین یاد شده است که وی پاورو، کشتیران ماهر را به هیأت کرکسی در آورد و در هوا به پرواز واداشت. «او را کشتیران ماهر ستایش نمود وقتی که یل پیروزمند فریدون وی را در هوا به هیأت کرکسی به پرواز نمودن واداشت و بدین سان، فریدون در ادبیات فارسی با نوعی جادوگری و پزشکی پیوند می‌یابد» (هینلز، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

در اوستا، نام فریدون به صورت θraetaona و نام پدرش به صورت Āθwya آمده است که در سانسکریت، Āptya تلفظ می‌شود. معمولاً در اوستا، Āθwyāna آمده است و این صفتی به معنای از خاندان آثویه است. همین کلمه در پهلوی، اسپان شده است (پورداوود، ۱۳۷۴: ۱۹۱).

در اوستا، از وی به عنوان پزشک یاد نمی‌شود؛ ولی ارتباط وی با هوم و جادو نشان داده می‌شود که با پزشکی بی‌ارتباط نیستند.

۲-۲-۳. فریدون در متون پهلوی

در بندهای ۲۶ و ۲۷ از فصل ۳۱ بندهشن، آمده است: «گرشاسپ و اوروخش دو برادر بوده اند از پسران اترت پسر سام پسر تورک پسر سپانیاسپ پسر دورشاسپ پسر توگک پسر فریدون.»

در دینکرد هفتم آمده است: «در دیگر زمان آمد - آن فره - به فرمان دادار به سوی فریدون اسفیان [...] و از پیشه‌های دین بهره‌ی او واستریوشی بود [...] به وسیله‌ی آن فره، فریدون پیروز شد و پاسخ گوینده بود دهاک را و ناکار کرد آن دروج پر نیرو را [...] و از طریق واستریوشی، سومین پیشه‌ی دین، ناپدید کرد تنگی را و راند درد را با پزشکی [...]» (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۲۰۲).

در این دوره، از فریدون به عنوان پزشک یاد می‌شود.

۳-۲-۳. فریدون در ایران دوره‌ی اسلامی

«به پندار بعضی از نسب‌شناسان پارسی، نوح همان افریدون بود که ازدهاق را مغلوب کرد و پادشاهی را از او گرفت و پارسیان درباره‌ی نسب افریدون گویند که وی از اعقاب جم‌شاد شاه بود که چنانکه از پیش گفتیم، ازدهاق او را بکشت و میان فریدون و جم ده پدر فاصله بود» (طبری، ۱۳۷۵: ۱/۱۵۲).

«گویند وی نخستین کس بود که به طب و نجوم پرداخت و سه پسر داشت که بزرگ‌تر سرم نام داشت و دومی طوج و سومی ایرج» (همان: ۱۵۲).

«نخستین ملکی که به نجوم اندر نگریست، افریدون بود و به علم طب نیز او رنج برد و تریاق او آمیخت. و نخستین کسی که بر پیل نشست از ملکان، افریدون بود و پیل را حرب فرمود» (بلعمی، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

«فریدون به خانه‌ی ضحاک آمد و آنهمه جادوها را به افسون‌های حق باطل کرد» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۷).

«افریدون علم عزیمت (افسون و ادعیه برای احضار اجنه) به مردمان آموخت و علم طب او آورد و مهر روز بود از مهر ماه که ضحاک را بگرفت و بیست [...] و آن جشن را مهرگان نام کرد» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۹).

«فریدون دانش پزشکی را بنیاد نهاد و از گیاهان داروهای برای دفع بیماری‌های جانداران ساخت. او اولین کسی بود که در علم طب غور کرد، طب او طلب کرد و خود علم طب و نجوم نیک دانستی و علم طب او آورد. او نخستین ملکی بود که به علم طب رنج برد. از آثار او آن است که از نباتات دشتی و گیاهان کوهی، داروها استخراج کرد که مردم و حیوانات را به کار آید. فریدون افسون به وجود آورد. افسون‌ها که مردمان کنند بر دردها و بیماری‌ها و غیر آن، او نهاد» (صدیقیان، ۱۳۷۵: ۲۰۱-۲۰۲).

«فریدون پسر آبتین در پزشکی، ستاره‌شناسی و فلسفه دست داشت» (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶۰).

«فریدون افسون‌های نیکو دانستی. تریاک مار افعی از بهر دفع زهر او ساخت» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۸۴).

۴-۲-۳. فریدون در شاهنامه

داستان‌هایی از افسونگری فریدون در شاهنامه آمده است. «فریدون دانش و افسونگری داشت» (صدیقیان، ۱۳۷۵: ۲۰۰). در ملحقات شاهنامه آمده است که روزی در جایگاه یزدان پرستان، نیکخواهی چون پری نزد او آمد و به او افسونگری آموخت تا به افسون، پلیدی‌ها را نابود کند (همان: ۲۰۲).

از اوستا تا ایران دوره‌ی اسلامی به فریدون آنقدر پروبال داده‌اند که برخی وی را نخستین پزشک می‌دانند.

۳-۳. جمشید

۱-۳-۳. جمشید در متون اوستا و سانسکریت

کلمه‌ی جمشید در اوستا Yima، در سانسکریت Yama و در پهلوی به صورت جم آمده است. جمشید از کهن‌ترین چهره‌های اساطیری هند و ایرانی است. در اساطیر ودایی، جم سرور جهان مردگانی است که به سعادت ابدی رسیده‌اند؛ یعنی فرمانروای بهشت برین است. او با خدایان جهان ودایی، به ویژه ورونه و اگنی، به دوستی و خوشگذرانی سرگرم است. پدرش Vivasvant و مادرش Saranyū است. او خواهری به نام Yami دارد. به باور اقوام هندوایرانی، این برادر و خواهر نخستین، پدر و مادر جهانیان هستند. در وداها، گناه یمه این است که به تحریک خواهرش، با وی هم‌بستر می‌شود و از این طریق مردمان پدید می‌آیند (بهار، ۱۳۶۲: ۱۷۵).

بنابر اساطیر ریگ و ودایی، ویوسونت (پدر یمه) بعد از یمه، دو پسر دیگر به نام‌های trita و Manu داشته است که در اوستا به نام‌های $\bar{A}\theta wya$ و $\theta rita$ ذکر شده‌اند. ویوسونت همان ویوهونت اوستایی و ویونگهان ادبیات پهلوی است (همان: ۱۷۵).

در ادبیات هندی، برای جم دوران آرمانی وجود دارد که در آن مرگ، بیماری و پیری وجود ندارد. در روایات ایرانی نیز برای جمشید فرمانروایی آرمانی توصیف می‌شود که در آن مرگ، پیری، گرسنگی، تشنگی، سرما، گرما و به‌طور کلی، هیچ آفتی وجود ندارد (کریستن سن، ۱۳۸۹: ۲۴).

در فرگرد دوم وندیداد آمده است: «در شهریاری جم نه باد سرد است، نه باد گرم، نه بیماری و نه مرگ [...]».

در یسن ۹ بند ۴، زرتشت از هوم می پرسد در میان مردمان خاکی جهان، اول بار چه کسی تو را آماده کرد؟ هوم پاسخ داد و یونگهان و سپس می افزاید به پاداش آن، او را پسری آمد جمشید، دارنده‌ی رمه‌ی خوب و فرهمندترین در میان مردمان، کسی که در شهریاری خود جانور و مردم را نمردنی، آب و گیاه را نخشکیدنی و خوردنی و خورش را نکاستنی ساخت. هنگام شهریاری جم، نه سرما، نه گرما، نه پیری و نه مرگ بود.

در بندهای ۳-۵ از یسن نهم (هوم یسن) آمده است: «ویونگهان نخستین انسانی بود که مرا (هوم) برای جهان مادی فشرده، این نیکبختی بدو رسید که او را پسری زاده شد، جمشید دارنده‌ی رمه‌ی خوب، فرهمندترین در میان مردمانی که به دنیا آمده‌اند. در شهریاری جم دلیر، نه سرما بود نه گرما، نه پیری بود نه مرگ، نه رشک دیو آفریده [...]».

جمله‌ی آخر بند بالا در وندیداد ۲/۵ و یشت‌های ۱۶/۱۵ و ۳۳/۱۹ نیز تکرار شده است. در یشت ۱۷ بندهای ۲۸-۳۰ آمده است: «برای او (اشی و نگوهی) قربانی کرد [...] این نیکبختی را به من بده [...] از آفریدگان مزدا گرسنگی و تشنگی را دور بدارم و از آفریدگان مزدا پیری و مرگ را دور بدارم و باد گرم و باد سرد را دور بدارم». در هیچ یک از موارد بالا که توصیف جمشید در اوستا را نشان می دهند، اشاره‌ای به پزشک بودن وی نشده است.

۲-۳-۳. جمشید در دوره‌ی میانه

در توضیحات پهلوی وندیداد، در توصیف ثریت چنین آمده است: «یکی می گوید که او جم بود و سوم بودنش برای این بود که او سومین پیشداد بود» (Anklesaria, 1949: 392). در نوشته‌های پهلوی و شاهنامه آمده است: «جم از شاهان پیشدادی و دارای فره‌ی ایزدی بود. او بود که خوراک پختن، [...] و درمان دردها را به مردم آموخت و دادگری پیشه کرد» (عفیفی، ۱۳۷۴: ۱۵).

روایت *خدا/ینامه* و منابع قدیمی عربی و فارسی نشان می‌دهند که جمشید پزشکی را در جهان معمول ساخت و دستور داد که داروها را برای مداوای همه‌ی بیماری‌ها تهیه کنند (صدیقیان، ۱۳۷۵: ۴۳۵). ظاهراً تنها در دوره‌ی اسلامی، چنین برداشتی وجود دارد.

۳-۳-۳. جمشید در ایران دوره‌ی اسلامی

فردوسی در ابیات زیر، بیان می‌کند که جمشید پزشکی و درمان بیماری‌ها را آورد و همه‌ی رازها را آشکار کرد:

دگر بوی‌های خوش آورد باز	که دارند مردم به بویش نیاز
چو بان و چو کافور و چون مشک ناب	چو عود و چو عنبر چو روشن گلاب
پزشکی و درمان هر دردمند	در تندرستی و راه گزند
همان رازها کرد نیز آشکار	جهان را نیامد چنو خواستار

«به روز ششم که مرداد روز بود، ضمن مکتوبی به مردم خبر داد که چون خداوند روش وی را در پادشاهی پسندیده، پاداش وی این شده که مردم از گرما و سرما و بیماری و پیری و حسد برکنار شده‌اند و مردم از پس سیصد و شانزده سال که از پادشاهی وی گذشته بود، سیصد سال به سر کردند که از این بلیات به‌دور بودند» (طبری، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۱۸).

طبری، ثعالبی، گردیزی، بلعمی، خیام، قزوینی و ابن مسکویه یافتن گیاهان طبی، مواد خوشبو و ادویه و نیشکر را به جمشید نسبت می‌دهند.

بلعمی: اندرین هزارسال یک ساعت در دسر یا بیماری نبودش (صدیقیان، ۱۳۷۵: ۴۰۱).

مقدسی: گویند که او به علم ستاره‌شناسی و پزشکی می‌پرداخت (همان).

ثعالبی: به کار بردن داروها و دواها و گیاهان خوشبو و گردآوردن آن‌ها را از جای‌های دور دست و اختلاط و درهم آمیختن و استعمال آن‌ها را بنابر دستورهای پزشکی آموخت (همان: ۴۱۱).

حمدالله مستوفی: علم طب در زمان او آغاز کردند (همان: ۴۴۶).

میرخواند: وی خواص طبی و غذایی گیاهان را به تجربه و امتحان شناخت (همان:

در سنت ایرانی متأخرتر، جم سومین یا چهارمین شاه (پس از هوشنگ و تهمورث یا پس از کیومرث، هوشنگ و تهمورث) است (همان: ۴۰۱). شاید معرفی جمشید به عنوان سومین شاه پیشدادی، باعث نسبت پزشکی به وی شده است. افسانه‌های تاریخی ایران معرفی طب را به جمشید، چهارمین پادشاه از پادشاهان قهرمانی، نسبت می‌دهند (الگود، ۱۳۵۶: ۱۹).

در فرگرد بیستم و نودیداد، شش صفت برای ثریت آمده است: «چه کسی بود نخستین پزشک خردمند (۱)، فرخنده (۲)، توانگر (۳)، فره‌مند (۴)، روین تن (۵) و پیشداد (۶)؟» (دوست‌خواه، ۱۳۷۷: ۸۷۵). «چه کس نخست از مردمان و درمان‌دهندگان و ورجاوندان (۱) و کامروایان (۲) و توانگران (۳) و شکوهمندان (۴) و نیرومندان (۵) و پیشدادان (۶) بیماری را از بیمار بازداشت؟» (رضی، ۱۳۸۶: ۱۸۳۹).

اگر توصیف فردوسی از جمشید را دقیق‌تر بررسی کنیم، همان شش صفت ثریت را مشاهده می‌کنیم که برای جمشید آمده است:

گرانمایه جمشید فرزند او	کمر بست یکدل پر از پند او
برآمد بر آن تخت فروخ پدر	به رسم کیان بر سرش تاج زر
کمر بست با فر شاهنشهی	جهان گشت سرتاسر او را رهی
زمانه بر آسود از داوری	به فرمان او دیو و مرغ و پری

در مصراع دوم از بیت اول، پند نشانه‌ی خردمند بودن شخص است. در بسیاری از موارد، فردوسی پند و خرد را با هم به کار می‌برد:

همه برگ وی پند و بارش خرد	کسی کو خرد پرورد کی مرد
بگویم که بنیاد سوگند چیست	خرد را و جان ترا پند چیست
ز پند و خرد گر بگردد سرش	پشیمانی آید ز گیتی برش

در مصراع اول از بیت دوم، صفت فرخ آمده که همان فرخنده و کامروا است.

در مصراع دوم از بیت دوم، تاج زر نشانه‌ی توانگری است.

در مصراع اول از بیت سوم، فر شاهنشهی نشان‌دهنده‌ی فره‌مندی و شکوه است.

در بیت سوم، شخص قدرتمندی معرفی می‌شود که می‌تواند جهان را مقهور و پیرو خود سازد.

در بیت چهارم، «زمانه بر آسود از داوری» تعریفی از کلمه‌ی پیشداد است. «کسی که نخستین بار قانون گذارد» (کریستن سن، ۱۳۸۹: ۲۰ و ۱۶۸).

۳-۴. پیشداد

پَر داته اوستایی به معنی کسی که پیش [از دیگران] آفریده شده (نخست آفریده شده) است و ترجمه‌ی پهلوی آن پیشداد است. بعدها که فعل «دادن» معنی آفریدن را ازدست داد، نام پیشداد معنی «کسی که نخستین بار قانون شاهی را معمول کرد» یا فقط «کسی که نخستین بار قانون گذارد» به خود گرفت (کریستن سن، ۱۳۸۹: ۲۰ و ۱۶۸).

۴. نتیجه‌گیری

در نوشته‌های اوستایی، بی‌شک ثریته نخستین پزشک است که نامش می‌تواند نماینده‌ی سه طبقه‌ی اجتماعی باشد. ثریته با صفات خردمند، فرخنده، فرهمند، توانگر، قدرتمند و پیشداد توصیف شده است. در این میان، فریدون به‌عنوان ازدهاکش معرفی می‌شود و جمشید به عنوان شاهی که در زمان وی مرگ و بیماری و پیری وجود ندارد.

در دوره‌ی میانه، صفات ثریته حذف می‌شوند و بیشتر فریدون به‌عنوان پزشک، ازدهاکش و افسونگر معرفی می‌شود؛ البته برخی نیز جمشید را نخستین پزشک می‌دانند. شاید معرفی شخصیتی که دارای شش صفت بالا باشد، موجب چنین تغییر نامی شده است. این صفات، به‌ویژه پیشدادی بودن، ذهن هر کسی را به این موضوع رهنمون می‌کند که ثریته باید یکی از شاهان پیشدادی باشد و این صفات تنها درخور یک شاه پیشدادی هستند.

فردوسی نیز نام ثریته را تنها به‌عنوان پدر گرشاسپ، پهلوان ایرانی، به کار می‌برد و از صفات وی، از جمله پزشک بودن وی، سخنی به میان نمی‌آورد. او دانش و افسونگری را به فریدون نسبت می‌دهد که با افسون‌های خویش می‌تواند بر پلیدی‌ها غلبه کند و جمشید را

به گونه‌ای متفاوت توصیف می‌کند؛ به طوری که وی را نخستین پزشک می‌داند و شش صفت خردمند، کامروا (فرخنده)، توانگر، شکوهمند (فره‌مند)، نیرومند و پیشداد را که در اوستا برای توصیف ثریته آمده‌اند، در وصف جمشید می‌سراید.

از شاهان پیشدادی (کیومرث، طهمورث، جمشید و فریدون) بنابر نوشته‌های اوستایی بسیاری موارد، همچون اژدهاکشی، افسونگری، نبود بیماری و مرگ و ...، به فریدون و جمشید نسبت داده می‌شود و به همین دلیل، برخی فریدون و برخی نیز جمشید را ثریته می‌دانند. برای بسیاری، از جمله فردوسی، جمشید مناسب‌ترین گزینه است؛ زیرا سومین شاه پیشدادی است و سوم بودن وی با نام ثریته، به معنای سه، انطباق می‌یابد.

منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). *تاریخ اساطیر ایران*. تهران: سمت.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی. (۱۳۸۶). *کتاب پنجم دینکرد*. تهران: معین.
- ابن مسکویه، احمد بن علی. (۱۳۷۶). *تجارب‌الامم*. ترجمه‌ی ابوالقاسم امامی و علی نقی منزوی. تهران: سروش.
- الگود، سیریل لوید. (۱۳۵۶). *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه‌ی باهر فرقانی. تهران: امیر کبیر.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد. (۱۳۸۳). *تاریخنامه‌ی طبری*. تهران: سروش.
- بهار، مهرداد. (۱۳۶۲). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: توس.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۷۴). *یشت‌ها*. تهران: طهوری.
- دوست‌خواه، جلیل. (۱۳۷۷). *اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایران*. تهران: مروارید.
- راشد محصل، محمد تقی. (۱۳۸۹). *دینکرد هفتم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ . (۱۳۸۵). *ویزیدگیهای زادسپرم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضی، هاشم. (۱۳۷۶). *وندیداد*. تهران: فکر روز.

- صدیقیان، مهین دخت. (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیری - حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عیفی، رحیم. (۱۳۷۴). *اساطیر و فرهنگ ایران*. تهران: چاپخانه‌ی حیدری.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. تهران: اساطیر.
- کرامتی، یونس. (۱۳۸۳). *پژشکی در اسلام، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*. ج ۱۳. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۸۹). *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران*. ترجمه‌ی ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر چشمه.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک. (۱۳۶۳). *زین الاخبار (تاریخ گردیزی)*. تهران: دنیای کتاب.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*. تهران: امیرکبیر.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۸۳). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه‌ی باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- Anklesaria, M.A. Behramgore. (1949). *Pahlavi vendidad*. Bombay: Shahname Press.
- Herman, Brockaus. (1950). *Vendidad Sade*. Leipzig: F.A. Brockaus.
- Macdonell, Arthur Anthony. (1917). *A Vedic Reader for Students*. England: Oxford University Press.
- Max Muller, F. (1962). *The Sacred books Of The East. Translated by James Darmesteter*. India: Banarsidass.
- Reichelt, Hans. (1911). *Avesta Reader Texts*; Strassburg.
- Williams, Moiner. (1899). *A Sanskrit- English Dictionary*. Oxford: Oxford University Press.